

انتشار اولین شماره نشریه *بین‌رشته‌ای ادبیات*، هنر و علوم انسانی دانشگاه بیرجند و انجمن
ترویج زبان و ادب فارسی ایران

با عنایت خدای بزرگ و مهربان، مدیریت و نظارت دقیق و علمی سردبیر ارجمند جناب دکتر علی‌رضا انوشیروانی و تلاش‌های شبانه‌روزی مدیر مسئول نشریه، جناب دکتر ابراهیم محمدی و حمایت‌های اعضای محترم هیئت تحریریه، هیئت محترم رئیسه دانشگاه، هیئت رئیسه خدوم دانشکده ادبیات و علوم انسانی و گروه ارجمند زبان و ادبیات فارسی و داوران عزیز، شماره اول نشریه (بهار و تابستان ۱۴۰۰) به صورت الکترونیکی منتشر شد.

این نشریه علمی با هدف گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای در قلمرو ادبیات تطبیقی منتشر می‌شود و به ارتباطات و تعاملات میان ادبیات و سایر رشته‌های علوم انسانی و تجربی از جمله ترجمه‌پژوهی، دین‌پژوهی، فلسفه، زبان‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، حقوق، مطالعات فرهنگی، علوم سیاسی، نجوم، پزشکی، محیط زیست و همچنین هنرهای زیبا مانند نقاشی، سینما، تئاتر، موسیقی و معماری و حوزه‌های جدیدتر مانند ادبیات مهاجرت، جهانی‌شدن و ادبیات ادبیات و هویت پسااستعماری و ادبیات اقلیت می‌پردازد. این نشریه با تأکید بر نظریه‌ها و روش‌های تحقیق جدید در حوزه مطالعات بین‌رشته‌ای می‌کوشد تا زمینه را برای رشد پژوهش‌های نوین و نظام‌مند در ایران فراهم سازد و عرصه جدیدی برای تعاملات بین‌رشته‌ای و بین‌فرهنگی پدید آورد. بخشی از این نشریه به معرفی و نقد کتاب‌های نظری و کاربردی مطالعات بین‌رشته‌ای اختصاص دارد.

زبان اصلی نشریه فارسی است اما با توجه به ماهیت بین‌المللی و بین‌رشته‌ای ادبیات تطبیقی، این نشریه به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و عربی نیز مقاله می‌پذیرد. این نشریه، طبق آیین‌نامه نشریات علمی کشور، انواع مقالات علمی معتبر را مورد ارزیابی و پذیرش قرار می‌دهد.

در اینجا وظیفه خود می‌دانیم که از همه سروران ارجمندی که با راهنمایی، مشاوره و حمایت‌های خود، در جهت رسیدن به اهداف نشریه از هیچ تلاشی دریغ نکردند تقدیر و سپاسگزاری کنیم. همچنین بر خود لازم می‌دانیم که از حمایت‌های ویژه ریاست محترم انجمن ترویج زبان و ادب فارسی جناب دکتر میرباقری فرد و اعضای محترم شورای سیاستگذاری کارگروه پژوهشی ادبیات تطبیقی انجمن تشکر کنیم. همچنین وظیفه داریم از همکاری صمیمانه خانم منیره توکلی کارشناس محترم نشریه و خانم دکتر بهارک ولی‌نیا ویراستار فارسی، خانم دکتر زارع‌طوسی ویراستار انگلیسی نشریه و آقایان امیرآبادی زاده، ندائی و حداد که در امور صفحه‌آرایی بسیار زحمت کشیدند تشکر کنیم.

دکتر علی اکبر محمدی، مدیر اجرایی نشریه

آدرس نشریه:

<https://islah.birjand.ac.ir>

یادداشت علمی دکتر ابراهیم محمدی، مدیر مسئول نشریه به مناسبت انتشار اولین شماره

ادبیات تطبیقی نوین؛ نه به دشمن‌انگاری «دیگری»

نام اولین بخش کتاب دوران‌ساز اسپیواک در تاریخ ادبیات تطبیقی جهان – «مرگ یک رشته» (*Death of A Discipline- 2003*)، «عبور از مرزها یا فروریختن مرزها» (= *Crossing Borders*) است. من در این لحظه می‌خواهم ادبیات تطبیقی را از جهتی و شاید از جهات بسیاری، در همین نام و گفته درست و دقیق اسپیواک فشرده کنم و بگویم ادبیات تطبیقی یعنی همین؛ یعنی درنوردیدن مرزها و حصارها و دیوارها.

تاریخ به‌روشنی گواهی می‌دهد که بشر همواره گرفتار ستیزهای غم‌بار بی‌پایان بی‌دست‌آوردی بوده است که در گذر ایام، روز به روز، بیشتر، سهمگین‌تر و دردناک‌تر شده‌اند. درنگ در داستان زندگی آدمی، آشکار می‌سازد

که خاستگاه این ستیزها و جدال‌های دردناک، تقابل‌ها و تعارض‌های برآمده از مرزهایِ ساختگیِ باوری، سرزمینی، سیاسی و ... است که خود برساخته ذهن و دست بشرند و در بیشتر موارد بر تقابل بنیان‌برانداز و غیر انسانیِ «خودیِ مطلقا نیک»، در برابر «دیگریِ مطلقا شر و دشمن» استوار. تقابلِ اخیر، همواره میان آدمیان، دیوارهای بلند تفاوت و جدایی ایدئولوژیک برآورده است و نه تنها آنها را در قالب گروه‌های هم‌باور، سرزمین‌ها و قلمروهای سیاسی مختلف و ... از هم جدا و با هم غریبه کرده است که گاه، شهری را دو پاره و باشندگان در آن شهر را با هم بیگانه، بلکه دشمن کرده است. نکته امیدبخش اما این است که این دیوارها، که برخی عینی‌اند و ملموس و برخی دیگر ذهنی و شکل‌گرفته در جهان اندیشه، گاه در برابر قدرت بی‌پایان ادبیات سر فرود آورده‌اند؛ هرگاه بشر توانسته است به ارتباطات ادبی و تعاملات فرهنگی برآمده از آن، رونق و عمق ببخشد و جریان‌ها، پدیده‌ها و آفریده‌های ادبی بی‌سرزمینی خلق کند، این مرزها و این دیوارها که ارتباط و گفت‌وگوی آدم‌ها را دشوار می‌ساخته و دچار تعویق و تعلیق می‌کرده، فرو ریخته و رنگ باخته‌است؛ فاصله‌ها و تفاوت‌ها از میان برخاسته و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و ملل رونق گرفته است و درست در همین گفت‌وگوها و تعامل‌ها، شاهکارهای ادبی- فرهنگی جهان نیز پدید آمده است:

- مگر می‌توان در شاهکارهای ادبیات فارسی، از جمله مثنوی مولانا، دیوان حافظ، سروده‌ها و نوشته‌های سعدی و ... تعامل مؤثر و قدرتمند دو زبان، دو ادبیات و دو فرهنگ پارسی و عربی و بویژه حضور فرهنگ قرآنی را ندید؟

- مگر می‌توان در کلیله و دمنه و هزار و یک شب (یا همان هزار افسان)، درهم‌آمیختگی و گفت‌وگو و تعامل ظریف و البته عمیق فرهنگ‌های هندی، ایرانی و عربی را ندید؟

- مگر می‌توان حضور ادبیات پارسی (از شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام تا دیوان حافظ و گلستان سعدی و بوف کور صادق هدایت) را در ادبیات جهان ندید و پیوند شاهکارهای ادبی جهان را با ادبیات ایران نادیده گرفت؟

- مگر می‌توان حضور ادبیات جهان را در آثار برجسته ادبیات معاصر ایران انکار کرد؟

- اصلا مگر می‌شود شاهکارهای ادبیات جهان را بدون دانستن «ادبیات جهان» و درک روابط پنهان و آشکار آثار ادبی ملل با هم خواند و فهمید؟

- و بعد از این همه مگر و بسیار مگر جدی دیگر، مگر می‌توان پیامدهای نیک سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و همه‌جانبه این تعاملات ادبی را انکار کرد و مهم‌تر از آن، مگر می‌توان این نکته و واقعیت را از نظر دور داشت که این تعاملات کارا و فرخنده، جز در سایه فروریختن همه مرزها و دیوارهای ساختگی به دست‌آمدنی نیست؟ اینک اگر به آغاز سخن برگردیم و در نام بخش نخست کتاب اسپوواک درنگ کنیم، درمی‌یابیم که به‌راستی می‌توان یکی از برجسته‌ترین اهداف و کارکردهای ادبیات تطبیقی را، بویژه در گونه نوین و امروزی‌اش که در برخی نظریه‌ها، از جمله دیدگاه دیوید دمراش، بیشتر به چستی و خوانش ادبیات جهان روی آورده است، همین فروریختن یا فروریزاندن و از میان برداشتن مرزها و از رونق انداختن سکه بسیاری از تقابل‌ها، بویژه تقابل خودی/دیگری دانست.

البته یادکرد این نکته نیز بایسته است که ادبیات تطبیقی از آغاز(دست کم از ابتدای قرن نوزدهم) تاکنون، تحولات گوناگونی را از سر گذرانده است و در دوره‌های مختلف، اهداف، رویکردها و روش‌های متفاوتی ارائه کرده است که اشاره به همه آنها، در این مجال و این مقال، ممکن نیست، اما آنچه اکنون اهمیت دارد، تأکید بر رویکردهای تازه در ادبیات تطبیقی است که یکسر بر مدار گفت‌وگو و تعامل با دیگری، شناخت دیگری، به ما هو دیگری، و پرهیز از هرگونه خود-مرکزینی حرکت می‌کند. ادبیات تطبیقی در روزگار ما، بیش از همیشه و شاید بتوان گفت بیش از همه دانش‌ها و رشته‌های دانشگاهی از اهمیت گفت‌وگو و درک و شناخت دیگری و پرهیز از هرگونه «دیگری دشمن‌انگاری» سخن می‌گوید؛ از اینکه دیگری در رویکرد فرهنگی - ادبی، فقط دیگری است و با خودی یا با من فرق دارد و من نیست، همین. نگاه به دیگری در قامت دشمن، تنها و تنها محصول دیدها و ذهن‌های ایدئولوژیک و ایدئولوژی‌زده‌ای است که به همه چیز و همه کس از دریچه سیاست می‌نگرند. ادبیات می‌کوشد با عبور از این بینش‌های تنگ و رویکردهای تنگ‌نظرانه، به افق‌های باز بنگرد، به افق‌های روشنی که در آن نشانی از جدال‌های پوچ و تهی سیاست‌زده نیست. در این رویکرد، یکی از کارکردهای ادبیات، پدید آوردن پیوند، تعامل گفت‌وگو و وصل است، نه جدایی، دشمنی و تقابل. نیک آشکار است که در این جهانِ برساخته ادبیات تطبیقی نوین، همه مرزها فرومی‌ریزد و گفت‌وگوی راستین آغاز می‌شود. به باور من، این یکی از مهم‌ترین کارکردهای ذاتی و سرشتین ادبیات و تعاملات ادبی- فرهنگی است، تعاملات ادبی و تعاملات فرهنگی، زیربنای همه تعاملات فراگیر، آن هم به شکلی ماندگار و پایدار، هستند یا باید باشند. گفت‌وگوی راستین اقوام، ملل، کشورها و ... به دور از هیاهوی پوچ رویکردها و بینش‌های ایدئولوژیک خودمرکز بین و دیگری دشمن‌انگار، در «ادبیات جهان» جاری است.

ابراهیم محمدی

مدیرمسئول مجله مطالعات بین رشته ای ادبیات، هنر و علوم
انسانی دانشگاه بیرجند